

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله قیامت و آخرت ۱۵



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على
رسول الله و على آله و اصحابه الى يوم الدين و
اما بعد :

خداوند می فرماید: ﴿فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًا ۖ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ۖ فَأَصْحَبُ الْمِمْسَةِ مَا أَصْحَبُ الْمِمْسَةِ ۖ وَأَصْحَبُ الْمَشْأَةِ مَا أَصْحَبُ الْمَشْأَةِ ۖ وَالسَّيْقُونِ السَّيْقُونِ ۖ أُولَٰئِكَ الْمَقْرُبُونَ ۖ فِي جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ۖ﴾ (الواقعه/۶-۱۲)

«و کوه‌ها به صورت گرد و غبار پراکنده درمی آیند * و شما سه گروه خواهید شد * سمت راستی‌ها، اما چه سمت راستی‌هایی [خوش به حالشان] * و سمت چپی‌ها، اما چه سمت چپی‌هایی [بد به حالشان] * و پیشتازان پیشگام * آنان مقربان درگاه یزدان هستند * در میان باغ‌های پر نعمت بهشت جای دارند».

هر گاه کرسی قضاوت بین بندگان نصب گردد، کافران از مؤمنان جدا شده و به سمت چپ برده می شوند و مؤمنان در سمت راست عرش خدا قرار می گیرند و گروهی نیز در مقابل خدا جای دارند و نزدیک به او هستند.

﴿وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ۖ﴾ (یس / ۵۹)

«با تحقیر ندا داده می شود: ای بزهکاران و مجرمان امروز از مؤمنان جدا شوید».

﴿إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۖ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۚ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ﴾ (البقره / ۲۵۵)

إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ۚ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۖ﴾ (یونس / ۳)

«و روزی که همه را گرد می آوریم. سپس به مشرکان می گوئیم: شما و معبودهایتان را در جای خود بایستید، بعد آنها را از هم جدا می سازیم و معبودهایشان می گویند: شما ما را نپرستید».

﴿وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةٍ ۖ كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۖ﴾ هَٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۖ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۖ﴾ (الجاثیه/۲۸-۲۹)

«همه ملت‌ها را می بینی که بر سر زانوهای نشسته و هر ملت به سوی نامه اعمالش خوانده می شود. امروز جزا و سزای کارهایتان را به شما داده می شود * این نامه اعمال، کتاب ماست که اعمال شما را صادقانه بازگو می کند ما خواسته بودیم که تمام کارهای شما که در دنیا انجام می داده اید را یادداشت کنند».

﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۖ﴾ (الزمر / ۶۹)

«و زمین به نور پروردگارش روشن گردد و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود و پیامبران و شاهدان را بیاورند و میانشان به حق داوری گردد و مورد ستم قرار نگیرند»
﴿وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَوَيْلَتَنَا مَا لِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۚ﴾ (البقره / ۲۵۵)

وَلَا كِبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۖ وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۗ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ (الکھف / ۴۹)

«کتاب‌ها و نامه اعمال توزیع می‌شود و بزهکاران را می‌بینی که از دیدن آنچه در آن است ترسان و لرزان می‌شوند و می‌گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده و همه چیز را برشمرده است، و بدین وسیله همه اعمال خود را حاضر می‌بینند و خداوندت به کسی ظلم نمی‌کند».

همه مخلوقات متواضعانه و خاشعانه در برابر رب العالمین صف کشیده‌اند، عرق از سر و رویشان می‌بارد، هر کسی به نسبت اعمالش غرق در عرق است، فروتن و ذلیل، بدون اذن خدا کسی یارای سخن گفتن را ندارد، فقط پیامبران سخن می‌گویند، مردم به پیامبران خود چسبیده‌اند، نامه اعمال که شامل اعمال تمامی انسان‌ها از خلق آدم تا نهایت دنیا است و فرشتگان آن را در طول تاریخ یادداشت نموده‌اند، گذارده می‌شود.

میزان جهت وزن اعمال خیر و شر گمارده می‌شود، پل صراط بر امتداد جهنم زده شده، فرشتگان به بنی آدم خیره گشته‌اند، شعله‌های جهنم زبانه می‌کشد و بهشت برین آشکار می‌گردد، خداوند جهت قضاوت و تسویه حساب با بندگان تجلی می‌یابد و زمین با نور خدا روشن می‌گردد، و کتاب اعمال گذارده می‌شود، فرشتگان شهادت خود را بر اعمال بندگان ادا می‌کند، زمین نیز بر اعمال انسان‌ها بر روی خودش گواهی می‌دهد، راهی به جز اعتراف نمی‌ماند والا بر دهان مَهر سکوت زده شده و

تمامی اعضای بدن به صدا آمده و هر آنچه انسان در شب‌ها و روزها مرتکب می‌شده است را برمی‌شمارند. در صحیحین و مسند احمد از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«خداوند می‌فرماید: ای آدم، آتشیان را بفرست. آدم می‌گوید: **«لَبِيكَ وَ سَعْدِيكَ وَالْخَيْرُ فَي يَدِيكَ»**)

لَبِيكَ وَ سَعْدِيكَ وَ الْخَيْرُ فَي يَدِيكَ : خداوند فرمادت را اجابت می‌کنم و سعادت فقط در اجرای فرمان توست و تمامی خیر و خوبی از تو سرچشمه می‌گیرد.، پروردگارا آتشیان چه کسانیند؟ می‌فرماید: از هر هزار نفر ۹۹۹ نفر را بفرست. سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: و آن زمانی است که نوزاد از ترس و وحشت پیر می‌شود و زنان باردار سقط می‌کند و مردم مستانه به این طرف و آن طرف می‌روند، آنها مست نیستند بلکه عذاب خدا شدید است. اصحاب می‌پرسند: یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم، آن یک نفر بهشتی در میان ما کیست؟ فرمودند: ۹۹۹ نفر از یاجوج و ماجوج و یک نفر از شماست. مردم از خوشحالی تکبیر گفتند. سپس رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: به خدا من امیدوارم که شما یک چهارم بهشتیان باشید، به خدا من امیدوارم که شما یک سوم بهشتیان باشید. خیر، به خدا من امیدوارم که شما نصف اهل بهشت باشید، دوباره تکبیر در میان جمع بالا گرفت و رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «شما به نسبت بقیه مردم همچون مویی سفید در گاوی سیاه یا مویی سیاه در گاوی سفید پیش نیستید».

امام احمد از ابوسعید خدری رضی الله عنه نقل کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«روز قیامت حضرت نوح علیه السلام را احضار کرده از او می‌پرسند؟ آیا رسالت خود را ادا نموده‌ای؟ می‌گوید: آری. سپس قومش را احضار می‌کنند و از آنها می‌پرسند؟ آنها در جواب می‌گویند: کسی نزد ما نیامده که ما را بیم و هشدار دهد، به نوح گفته می‌شود: گواهان تو چه کسانی هستند؟ می‌گوید: محمد و امتش. این استدلال مصداق سخن خداوند است که می‌فرماید:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا﴾ (البقره / ۱۴۳)

«و بی‌گمان شما را امتی میانه‌رو کرده‌ایم تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر نیز بر شما گواه باشید».

«شما احضار می‌شوید و شاهد بر تبلیغش می‌گردید و من بر صحت قول شما شهادت می‌دهم».(امام بخاری، ترمذی و نسائی نیز روایت کرده‌اند.)

در لفظی عام‌تر چنین روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«در روز قیامت پیامبری خواهد آمد که فقط یک نفر همراه وی است و پیامبری خواهد آمد که دو نفر همراه دارد و پیامبرانی نیز همراهان بیشتری دارند، سپس ملت‌هایشان احضار می‌شوند و از آنها پرسیده می‌شود که آیا این پیامبر رسالت خود را به شما رسانده است؟ جواب می‌دهند: خیر، سپس از خودش می‌پرسند، می‌گوید: آری. از او گواه شاهد می‌خواهند. می‌گوید: محمد و امتش گواهان من هستند. محمد و امتش را احضار می‌کنند و آنها شهادت

می دهند که این پیامبر قوم خود را بیم داده است. از آنها پرسیده می شود؟ شما از کجا می دانید؟ جواب می دهند: پیامبران آمده و به ما خبر داده که پیامبران همگی رسالت خود را ادا نموده اند و این مصداق گفتار خداوند است که فرموده است:

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾ (البقره / ۱۴۳) امام احمد نیز این حدیث را از ابوسعید خدری روایت فرموده است. ابن ماجه نیز آن را روایت نموده است. «و شما را امتی میانه و عادل قرار داده ایم».

ابن کثیر می گوید: «دلالیت این حدیث بر این است که در روز قیامت دیگر ملت ها و سایر امت ها به فضل و برتری و شرف این امت اقرار داشته و شهادت آنها را می پذیرند؛ زیرا در غیر این صورت شهادت آنها به نفع پیامبران معنایی نخواهد داشت.».

اولین گروهی که در روز قیامت محاسبه می شوند:

اولین گروهی که از مخلوقات خدا در روز حساب هایشان مورد بررسی قرار می گیرد، سایر حیوانات، غیر از انس و جن هستند.

دلیل حشر بقیه حیوانات در روز قیامت، این آیه است که می گوید: ﴿وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ﴾ (الأنعام / ۸)

«و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز کند وجود ندارد مگر اینکه گروه هایی همچون

شمایند، در کتاب (قرآن) هیچ چیز را حذف نکرده ایم، سپس در پیشگاه پروردگارشان محشور می شوند».

﴿وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ﴾ (التکویر / ۴)

«و زمانی که ددان و حیوانات وحشر گرد آورده می شوند». عبدالله پسر امام احمد از عثمان بن عفان رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «در قیامت حیوان بی شاخ از شاخدار قصاص می گیرد».

امام احمد از ابوهریره نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«در قیامت حق را به حق دار خواهند داد تا جایی که از حیوان شاخدار که به حیوان بی شاخی شاخ زده باشد نیز قصاص گرفته می شود». (مسلم و ترمذی نیز روایتی نزدیک به این روایت دارند).

و وقتی همه حساب ها بین حیوانات تسویه می گردد، خداوند دستور می دهد «کونی و تراباً» و همگی به خاک تبدیل می شوند. در این هنگام کافران آرزو می کنند که ای کاش ما هم خاک بودیم ﴿يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ (النبا: ۴۰). (این روایت از بعضی صحابه از جمله ابوهریره، عبدالله بن عمر، و عبدالله بن عمرو نیز روایت شده است).

آخرین کسی که به رحمت خدا از آتش بیرون می آید:

امام بخاری از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من آخرین فردی که از جهنم بیرون می آید و به بهشت داخل می شود را می شناسم. او فردی است که سینه خیز از

جهنم بیرون می آید. خداوند به او می گوید: برو و به بهشت داخل شو. در هنگام ورود تصور می کند که بهشت پر شده است، برگشته و به خدا می گوید: خداوندا! بهشت پر شده است. خداوند می فرماید: برو و به بهشت داخل شو، ملک تو در آن به اندازه دنیا و ده برابر آن است. او می گوید: یا رب تو مالک و فرمانروا هستی و من را مسخره می کنی؟ رسول خدا صلی الله علیه وسلم خندیدند تا اینکه دندان های آسایش نیز نمایان گشت. گفته می شود: این پایین ترین منزلت اهل بهشت است». مسلم از طریق زهری از عطاء بن یزید لیشی از ابوهریره حدیثی طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روایت می کند که در آن آمده است:

وقتی که خداوند از قضاوت بین بندگان فارغ شود، تصمیم می گیرد هر آن کس را که بخواهد با رحمتش از جهنم بیرون آورد. به فرشتگان دستور می دهد: هر کس به خدا شرک نیآورده و با گفتن «لااله الا الله»، خداوند اراده رحمت به او کرده را از جهنم خارج سازند، فرشتگان آنها را در جهنم می شناسند، اثرات وضو آنها را مشخص می کند. چون خداوند سوزاندن اثرات وضو را بر آتش حرام کرده است، آنها در حالی که سوخته و سیاه گشته اند، از جهنم بیرون می آیند، آب زندگی بر آنان ریخته شده و آنان همچون دانه در گل و لای سیلاب می رویند. (دانه ای که در خاک هایی می روید که با سیلاب در جایی جمع شده و به علت عبور سیل از روی آن بسیار حاصلخیز و پر بار شده است) سپس خداوند از قضاوت بین بندگان فارغ می گردد، مردی می ماند که رویش به طرف آتش است، او آخرین کسی خواهد بود که وارد بهشت می گردد.

می‌گوید: خداوند! رویم را از آتش دور ساز، بوی آن مرا مسموم کرده و شعله‌هایش مرا سوزانده است و عاجزانه مدتی به نیایش می‌ایستد. خداوند می‌گوید: اگر این را به تو دادم، تعهد می‌دهی که دیگر چیزی نخواهی؟ جواب می‌دهد: دیگر هیچ چیز نمی‌خواهم و بر آن عهد و پیمان می‌بندد. خداوند چهره‌اش را از آتش برمی‌گیرد، وقتی رو به بهشت می‌کند، پس از مدتی سکوت دیگر بار می‌گوید: خداوند! مرا به در بهشت نزدیک گردان. خداوند می‌گوید: مگر قول ندادی و عهد نبستی که دیگر چیزی درخواست نکنی، وای بر تو ای بنی‌آدم! چقدر بدجنسی. او به دعا و نیایش ایستاده و عاجزانه از خدا طلب رحمت می‌کند، خداوند می‌گوید: آیا جز این درخواست چیز دیگری نخواهی خواست؟ گوید: سوگند به عزت خیر، و عهدها و پیمان‌ها می‌دهد. او را به بهشت نزدیک می‌کند. وقتی از بیرون، بهشت و تمام نعمت‌های بهشتی را مشاهده می‌کند، پس از مدتی سکوت دیگر بار می‌گوید: خداوند! مرا به بهشت داخل گردان. خداوند می‌گوید: مگر تو عهد نبستی که دیگر چیزی نخواهی! وای بر تو ای بنی‌آدم چقدر بدجنسی، می‌گوید: خداوند نمی‌خواهم بدبخت‌ترین بندگانت باشم و پیوسته دعا و نیایش می‌کند تا اینکه خداوند به او می‌خندد. وقتی خداوند خنده‌اش گیرد، به او می‌گوید: به بهشت داخل شو و تمام آرزوهایت را به زبان بیاور. او تما آرزوهایش را می‌گوید تا جایی که خداوند نیز به او یادآوری می‌کند. بعد از برآورده شدن تمام آرزوهایش خداوند می‌گوید: حال در اینجا دو برابر تمام آرزوهایت در ملک تو خواهد بود.

امام مسلم از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «من آخرین کسی که به بهشت داخل می‌گردد و آخرین کسی که از جهنم خارج می‌شود را می‌شناسم. مردی که در روز قیامت احضار می‌گردد، دستور داده می‌شود: گناهان صغیره‌اش را بر او عرضه داشته و گناهان کبیره‌اش را از او پنهان سازید گناهان صغیره‌اش بر او عرضه می‌گردد، به او گفته می‌شود: «در فلان روز و فلان روز، فلان عمل و فلان عمل را مرتکب شدی و در فلان روز و فلان روز این گناه و آن گناه را مرتکب شدی! جواب می‌دهد: آری، نمی‌تواند انکار کند و می‌ترسد که گناهان کبیره‌اش بر او عرضه گردد. به او گفته می‌شود: حال به جای هر گناهی، ثوابی به تو خواهد رسید. او می‌گوید: خداوند! من کارهایی کرده‌ام که اینجا آنها را نمی‌بینم. راوی گوید: دیدم که رسول خدا صلی الله علیه وسلم خندید تا اینکه دندان‌های آسیایش نمایان گشت».

رحمت خداوند در روز قیامت:

ابن ماجه از ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «خداوند یکصد درجه رحمت دارد که یک درجه از آن را بین مخلوقات تقسیم کرده است و به واسطه آن به یکدیگر رحم کرده و ملاطفت نشان می‌دهند و به واسطه آن درنده به فرزندان مهر می‌ورزد و ۹۹ درجه آن را جهت رحم به بندگان در قیامت ذخیره کرده است».

بخاری از ابوهریره روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«خداوند رحمت را خلق نموده و آن را یکصد رحمت قرار داده است که ۹۹ رحمت از آن را نزد خود ذخیره نموده و یک رحمت از آن را جهت جمیع خلق ارسال کرده است، اگر کافر به عظمت رحمتی که نزد خداست پی ببرد هرگز از بهشت مأیوس نخواهد شد و اگر مؤمن به شدت عذابی که نزد خداست پی ببرد هرگز از آتش غافل نخواهد شد».

و می‌فرماید:

﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ﴾ (الأنعام / ۵۴)

«خداوند شما رحمت را بر خودش واجب کرده است».

﴿وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ

وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾

(الأعراف / ۱۵۶)

«و رحمت من همه چیز را در بر گرفته، آن را برای کسانی مقرر خواهم داشت که پرهیزگاری کنند و زکات بدهند و به آیات ما ایمان بیاورند».

ابن ماجه حدیث ابن ابی‌ملیکه از معاذبن جبل را روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«ایا می‌دانی حق خدا بر بندگانش چیست؟ اینکه او را عبادت کرده و چیزی را با او شریک نگردانند».

سپس فرمود:

«ایا می‌دانی اگر بندگان چنان کنند، حق آنها بر خداوند چه خواهد بود؟ اینکه آنها را عذاب ندهد».

بخاری از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت می‌کند که گروهی اسیر جنگی بر پیامبر خدا صلی الله علیه وسلم وارد شدند. زنی در میان آنان بود که با پستانی پر از شیر

می‌دوید و هر جا نوزادی را در اسیران می‌یافت او را گرفته به خودش می‌چسباند و به او شیر می‌داد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: آیا فکر می‌کنید که این زن بچه‌اش را در آتش بیندازد گفتیم: تا جایی که ممکن باشد این کار را نخواهد کرد. فرمود: «خداوند به بندگانش از این زن نسبت به فرزندش مهربانتر است».

در روایتی در صحیح مسلم آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«در روز قیامت گروهی از مسلمانان با گناهانی همچون کوه‌ها می‌آیند، خداوند آنها را بخشیده و آن گناهان را بر یهود و نصاری حمل می‌کند». { علت اینکه گناهان مسلمانان در روز قیامت بر یهود و نصاری حمل می‌شود این است که آنها بعد از بعثت رسول خدا صلی الله علیه وسلم هم منکر شریعت خود شده‌اند و هم منکر شریعت اسلام. در حالی که مسلمانان با پیروی از اسلام هم عامل به شریعت اهل کتابند و هم عامل به شریعت اسلام. علاوه بر اهل کتاب به خاطر فاصله گرفتن از شریعت اصیل خودشان تنها ناشران فحشا و منکرات در جامعه هستند و هر فساد و آلودگی که در جامعه وجود دارد، از آنها نشأت گرفته است پس آنها مسببان اصلی گناهان بنی‌آدمند و بر این اساس مؤاخذه خواهند شد والله اعلم {

آیا مومنان خداوند را در روز قیامت مشاهده می‌کنند؟

این مشاهده مربوط به صحرای محشر و روز قیامت است که مؤمنان بار دیگر در بهشت با خداوند ملاقات خواهد نمود.

بخاری از ابوهریره نقل می‌کند که گروهی از مردم از رسول خدا صلی الله علیه وسلم سؤال کردند:

آیا در قیامت پروردگاران را می‌بینیم؟ فرمودند: آیا شما در دیدن خورشید در آسمانی صاف مشکلی دارید؟ گفتند: خیر، یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم! آیا شما در دیدن ماه بدر (شب چهاردهم) در آسمان صاف مشکل دارید؟ گفتند: خیر، یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم! فرمودند: «در قیامت به همان صورت خدا را مشاهده خواهد نمود».

بخاری از ابوسعید خدری روایت می‌کند که گفتیم: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! ما پروردگاران را خواهید دید؟

فرمودند: آیا در دیدن خورشید و مهتاب در آسمانی صاف مشکل دارید؟ گفتیم: خیر، یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم! فرمودند:

«شما در آن روز در مشاهده پروردگارتان مشکلی ندارید مگر به همان اندازه که در دیدن این دو دچار مشکل می‌شوید».

چه کسانی بدون هیچ حساب و کتابی وارد بهشت می‌شوند؟

بخاری از ابن عباس روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«امت‌ها بر من عرضه شدند. پیامبران از کنار می‌گذشتند، بعضی از آنها امتی را همراه خود داشتند و بعضی با گروهی همراه بودند و بعضی با ده نفر و بعضی با پنج نفر و بعضی دیگر تنهایی عبور می‌کردند ناگهان توده‌ای عظیم را دیدم، گفتیم: ای جبرئیل! اینان امت منند؟ فرمود: خیر، به افق نگاه کن ناگهان جمع بسیار زیادی را دیدم. جبرئیل

گفت: اینان امت هستند و این هفتاد هزار نفر جلو هیچ حساب و عذابی ندارد. گفتیم: چرا؟ فرمود: آنها داغ نمی‌کردند و طلب رقیه و تعویذ نمی‌کرده‌اند و فالگیری با پرنده و غیره را قبول نداشته و بر خدای خود توکل می‌کرده‌اند». { منظور این است که این گروه آنقدر توکل و یقینشان به خدا در درجه بالایی قرار دارد که کارهای مذکور یعنی داغ کردن جسم جهت بهبودی از مرض، طلب رقیه، خواندن معوذات در هنگام مریضی و فالگیری را بر خود ممنوع کرده‌اند. چون با توکل بر خالص منافات دارد {

عکاشه بن محسن ایستاده و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم! از خدا بخواه که مرا از زمره آنان قرار دهد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: خداوند! او را از جمله آنان قرار بده، سپس مرد دیگری بلند شد و گفت: از خدا بخواه مرا نیز از جمله آنان قرار بدهد. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: «سبقک بها عکاشه» عکاشه از تو پیشی گرفت.

و در روایتی آمده است: مردی از انصار بلند شد و گفت: از خدا بخواه که مرا از آنان قرار دهد. فرمود: «سبقک بها عکاشه»

احمد از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت: ملت‌ها را در قیامت به پیامبر نشان دادند، امت خودش کمی تأخیر کرده بود. فرمود: «امتم را دیدم که کوه و صحرا را پر کرده بودند و کثرتشان مرا خوشحال نمود». به من گفته شد: از میان اینان هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. آنها کسانی هستند که داغ نمی‌کنند، طلب رقیه نمی‌کنند، فالگیری نکرده و بر خدای خویش

توکل دارند. عکاشه گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! دعا کن که من از آنها باشم و رسول خدا صلی الله علیه وسلم برایش دعا کرد. سپس مرد دیگری بلند شد و گفت: یا رسول خدا صلی الله علیه وسلم! دعا کن که من از آنها باشم فرمود: «**سَبَقَكَ بِهَا عَكَاشَةٌ**». (ابن کثیر از حافظ مزّی نقل می‌کند که گفته است: این حدیث نزد من به شرط مسلم است. حافظ مزّی شیخ وی و پدر خانمش می‌باشد)

طبرانی از عمران بن حصین نقل می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «هفتاد هزار نفر از امتم بدون هیچ عذاب و حسابی وارد بهشت می‌گردند». گفته شد: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! آنها چه کسانی هستند فرمود: «آنها کسانی هستند که داغ نمی‌کنند، طلب رقیه نمی‌کنند، فالگیری نکرده، و بر خدای خویش توکل دارند». (مسلم نیز روایت کرده است. البته داستان عکاشه نیز در روایت مذکور است، ولی لفظ یتطیرون «فالگیری نمی‌کند» در روایتش وجود ندارد.)

نخستین مورد بازرسی در میان انسان‌ها:

اولین پرونده آدمیان که بر میز محاکمه قرار می‌گیرد، پرونده حقوق و پرونده خون‌هاست. وقتی خداوند حیوانات را تنها جهت ادای حقوق و قصاص از ظالم برای مظلوم محشور می‌گرداند، بررسی این امر در میان انسان‌ها که اصل خلقتند، سزاوارتر و مهم‌تر است.

در صحیحین از حدیث عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«نخستین چیزی که در روز قیامت در میان انسان‌ها بررسی می‌شود، خون‌ها هستند».

لازم به ذکر است که قتل مستلزم ورود حتمی قاتل به جهنم نیست. هر چند این قول از ابن عباس و بعضی از علمای خلف نقل شده و حتی در روایتی آمده که وی فرموده است: «قاتل هرگز توبه ندارد». حال اگر این روایت بر این حمل شود که چون قتل از زمره حقوق آدمیان است با توبه بخشیده نمی‌شود، صحیح است. ولی اگر منظور حتمیت مجازات قاتل باشد، درست نیست. مگر نه این است که مردی از بنی اسرائیل که ۹۹ نفر را کشته بود سپس صدمین نفر را نیز کشت و وقتی از یکی از علمای بنی اسرائیل در مورد توبه پرسید در جوابش گفت: بین تو و توبه هیچ مانعی وجود ندارد که در نهایت بعد از توبه وفات کرده و به بهشت وارد می‌شود و داستان‌ش در صحیحین از حدیث ابوسعید خدری معروف است.

از این گذشته خداوند در سوره فرقان به وضوح در این مورد می‌گوید:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۖ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَتَحُلَّدُ فِيهِ ۖ مُهَانًا ۚ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ ۚ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۚ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ۚ﴾ (الفرقان / ۶۸-۷۱)

«و کسانی که با الله معبودی دیگر را پرستش نمی‌کنند و انسانی که خداوند خونش را حرام کرده به قتل نمی‌رسانند مگر به حق، و زنا نمی‌کنند، که هر کس این کارها را انجام دهد، کیفر آن را می‌بیند * در قیامت عذابش مضاعف گشته و خوار و ذلیل جاودانه در عذاب می‌ماند * مگر کسی که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد که خداوند بدی‌ها و گناهان ایشان را به ثواب و نیکی تبدیل کرده و خداوند آمرزنده و مهربان است * آخر کسی که توبه کند و عمل صالح انجام دهد کاملاً به سوی خدا باز می‌گردد».

در صحیحین از سعید بن زید و دیگران از رسول خدا صلی الله علیه وسلم روایت شده که فرمودند: «کسی که به اندازه یک وجب زمین ظلم کند، به همان اندازه از هفت زمین به گردنش آویخته می‌شود». در صحیحین آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«کسی که در دنیا تصویری را بکشد، در قیامت مکلف خواهد شد در آن روح بدمد که هرگز قادر نیست» و در روایتی: عذاب داده می‌شوند و به آنها گفته می‌شود: «آنچه را که خلق کرده‌اید، زنده گردانید».

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله و صحبه أجمعین.
وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.